



## تسبیب




تصاویر مقاله

مقاله مشخصات

مقاله متن

جستجو در این مقاله

## معرف

اصطلاحی در فقه و حقوق

## متن

تسبیب ، اصطلاحی در فقه و حقوق. تسبیب در لغت به معنای ریسمان و آنچه موجب پیوستگی چیزی به چیز دیگر می‌شود، آمده است ( رجوع کنید به ابن‌منظور؛ فیومی؛ طُریحی، ذیل «سبب»). اصطلاح تسبیب در منابع فقهی و حقوقی در برابر مباشرت (به معنای انجام دادن بی‌واسطه یک کار) به کار می‌رود که هر دو از اقسام اِتلاف و از اسباب مهم ضَمان‌اند، البته در مواردی نیز در برابر اِتلاف به کار رفته که مراد از آن اِتلاف به معنای عام نیست بلکه اِتلاف با مباشرت است ( رجوع کنید به اصفهانی، ج ۲، ص ۲۶۵؛ قانون مدنی ایران، ماده ۳۰۷). بر خلاف مباشرت که در آن علت تلف مستقیماً ایجاد می‌شود ( رجوع کنید به شهیدثانی، الروضة البهیة ، ج ۷، ص ۳۰۳؛ حسینی مراغی، ج ۲، ص ۴۳۵)، در تسبیب، اِتلاف مال یا جنایت بر نفس به طور غیرمستقیم و با زمینه‌سازی و تمهید مقدمات صورت می‌گیرد، مانند حفر چاه در راه، افروختن آتش و سرایت دادن آن به ملک دیگری، شهادت دروغ دادن بر ضد کسی و باز کردن در قفس حیوانات که موجب تلف شدن آنها یا وارد آمدن خسارت شود ( رجوع کنید به محقق حلی، ۱۴۰۸، ج ۳، ص ۱۸۶، ج ۴، ص ۲۳۷؛ ابن‌قُدّامه، ج ۵، ص ۴۴۹-۴۵۰). فعل یا ترک فعلی که منجر به اِتلاف می‌گردد، «سبب» و عامل آن «مسبّب» یا «ذوالسبب» خوانده می‌شود (محقق حلی، ۱۴۰۸، همانجاها؛ الموسوعة الفقهیة ، ذیل «سبب»). در منابع فقهی، برای سبب معانی گوناگون ارائه کرده‌اند، از جمله: ایجاد ملزوم علت تلف؛ عاملی که اگر نمی‌بود، تلف حاصل نمی‌شد، هرچند علت مستقیم تلف، چیز دیگری است؛ عاملی که با تحقق آن تلف با علتی دیگر حاصل می‌شود و اگر نباشد، آن علت، در تلف مرجوع کنید بهتر نیست؛ عاملی که وجودش مستلزم وقوع تلف نیست، اما نبودنش مستلزم واقع نشدن تلف است ( رجوع کنید به محقق حلی، ۱۴۰۵، ص ۳۱۹؛ علامه حلی، ۱۴۱۳-۱۴۱۹، ج ۳، ص ۶۵۱؛ همو، ۱۴۱۰، ج ۲، ص ۲۲۶؛ شهید اول، ۱۴۱۲-۱۴۱۴، ج ۳، ص ۱۰۷؛ موسوی بجنوردی، ج ۲، ص ۳۱). برخی فقها به تحلیل نسبت سبب با شرط پرداخته‌اند ( رجوع کنید به حسینی عاملی، ج ۶، ص ۲۰۶-۲۰۷؛ نجفی، ج ۱۵، ص ۳۱۶-۳۱۷)، ولی به نظر برخی دیگر، مفهوم سبب در اینجا با معنای فلسفی و اصولی آن متفاوت است. مراد از تسبیب، تمهید زمینه‌های تلف و سبب‌سازی آن است که

مفهومی عرفی است و به شرایط و مُعدّات مصطلح در فلسفه بسیار شبیه است ( رجوع کنید به مکارم شیرازی، ج ۲، ص ۲۰۷؛ کاتوزیان، ص ۸۱). بسیاری از فروع تسبیب از دیرباز در کتب فقهی مطرح شده است، بدون آنکه از واژه تسبیب یا سبب استفاده شده باشد (برای نمونه رجوع کنید به مفید، ص ۷۴۵-۷۴۹). این تعابیر کم و بیش در آثار شیخ طوسی و برخی اخلاف او دیده می‌شود ( رجوع کنید به الخلاف، ج ۳، ص ۴۲۱؛ المبسوط، ج ۷، ص ۱۵۹-۱۶۰؛ ابن بَرّاج، ج ۲، ص ۴۸۸؛ ابن‌ادریس حلی، ج ۳، ص ۳۶۶)، ولی ظاهراً برای نخستین بار در فقه شیعه، محقق حلی این اصطلاحات را به طور گسترده مطرح کرد و کسانی چون علامه حلی آنها را پروراندند و قوّت بخشیدند. در میان علمای اهل سنت نیز شمس‌الائمه سرخسی (ج ۲۷، ص ۱۴-۱۷) و علاءالدین کاسانی (ج ۷، ص ۲۴۳-۲۴۶) از نخستین فقیهانی بودند که این تعبیرات را به کار بردند. در منابع فقهی متأخر، مسئله تسبیب در اموال و در باب غضب و تسبیب در جنایات در ابواب قصاص و دیات مطرح شده است. مقررات قانونی این دو نوع تسبیب نیز بترتیب از مادّه ۳۰۷ به بعد قانون مدنی و از مادّه ۳۴۰ به بعد قانون مجازات اسلامی آمده است. از نظر فقها مستند ثبوت ضمان در تسبیب، چه در باب اموال چه در جنایات، حدیث و اجماع است (نجفی، ج ۱۳، ص ۲۷-۲۸، ج ۱۵، ص ۱۴ به بعد؛ موسوی بجنوردی، ج ۲، ص ۳۲-۳۳). واژه سبب و تعابیر مشابه آن در احادیث به کار نرفته و نجفی (ج ۱۵، ص ۱۲-۱۳) به استناد همین امر، تقسیم اتلاف را به «مباشری» و «تسبیبی» بی‌فایده یا کم‌فایده دانسته است، اما به نظر برخی فقها (برای نمونه رجوع کنید به موسوی بجنوردی، ج ۲، ص ۳۸-۳۹، ۴۴) از شماری از احادیث می‌توان این قاعده کلی را استنباط کرد که هر کاری که معمولاً سبب تلف مال یا جان می‌شود، اگر از عاقلی مختار سرزند و میان آن کار و وقوع تلف، کار عمدی عاقل مختار (مباشری) واسطه نشود، ضمان آور است؛ بنابراین، مضمون قاعده تسبیب در احادیث وجود دارد (برای این قاعده در فقه اهل سنت رجوع کنید به زحیلی، ج ۶، ص ۲۴۷). بعلاوه، با توجه به ویژگیهای ضمان تسبیبی ( رجوع کنید به ادامه مقاله)، تفکیک میان مباشرت و تسبیب چندان کم‌فایده به نظر نمی‌رسد. در منابع فقهی و حقوقی، تسبیب از جهات گوناگون تقسیم شده است. محقق حلی (۱۴۰۸، ج ۴، ص ۱۸۱-۱۸۴) تسبیب را در قتل، از لحاظ انجام شدن جنایت توسط مسبب به استقلال، یا همراهی او با عاملی دیگر، به چند دسته تقسیم کرده و برای هر یک مصادیقی آورده است. برخی نیز سبب را، از نظر نحوه تأثیر آن بر حصول تلف، سه نوع (حسی و شرعی و عرفی) دانسته‌اند ( رجوع کنید به عوده، ج ۲، ص ۳۶؛ زحیلی، ج ۶، ص ۲۴۰). برخی دیگر، تسبیب را، با توجه به عامل مستقیم تلف (مباشری)، به انواعی تقسیم کرده‌اند ( رجوع کنید به فیض، ص ۲۱۰ به بعد). در برخی منابع فقهی برای ضمان آور بودن اتلاف تسبیبی شرایطی ذکر شده است، از جمله آنکه فعل مسبب در خارج از محدوده ملک خود باشد، مباح شرعی و واجد مصلحت عقلایی نباشد و از نظر عرف، عدوانی تلقی شود، ولی با توجه به فروع متعدد تسبیب و نیز احادیث مورد استناد، در لزوم برخی از این شرایط مناقشه شده است (برای نمونه رجوع کنید به خوانساری، ج ۵، ص ۲۰۶-۲۰۷). با اینهمه، فقها با الهام از تعابیر احادیث و با الغای خصوصیت از مواردی که منصوص است، ثبوت ضمان را در تسبیب منوط به تحقق عناوینی عام مانند تعدی و تفریط و اضرار دانسته و گاه بدان تصریح کرده‌اند (از جمله رجوع کنید به کاسانی، ج ۷، ص ۲۴۳؛ خوئی، ج ۲، ص ۲۴۴، ۲۴۶). مراد از تعدی، کاری است که مسبب شرعاً مجاز به انجام دادن آن نیست، مانند حفر چاه در ملک دیگری یا نهادن سنگ در معبر عمومی، که اگر به تلف بینجامد، ضمان آور است ( رجوع کنید بهابن‌قدامه، ج ۹، ص ۵۶۴؛ نجفی، ج ۱۳، ص ۳۱)، ولی حفر چاه در ملک دیگری با اجازه او یا در مکان عمومی با وجود مصلحت عام، اگر به تلف بینجامد، ضمان ندارد ( رجوع کنید به همانجاها؛ امام خمینی، ج ۲، ص ۵۶۴؛ زحیلی، ج ۵، ص ۷۴۸). همچنین در بسیاری از احکام تسبیب، ثبوت ضمان، منوط به تفریط (سهل‌انگاری مسبب در ایفای وظایف خویش) است، به طوری که عرفاً تلف به وی منتسب شود، مانند افروختن آتش در ملک خود با احتمال سرایت آن به ملک مجاور، کوتاهی در تعمیر دیوار خراب خانه و سهل‌انگاری در نگهداری حیوانات ( رجوع کنید به ابن‌قدامه، ج ۵، ص ۴۴۹؛ شهیدثانی، مسالک الافهام، ج ۱۲، ص ۱۶۶؛ خوئی، ج ۲، ص ۲۴۴-۲۴۵، ۲۵۰)؛ بنابراین، در تسبیب، بر خلاف مباشرت، ترک فعل نیز می‌تواند موجب ضمان شود ( رجوع کنید به خوانساری، ج ۵، ص ۲۰۴-۲۰۵؛ امامی، ج ۱، ص ۳۹۲؛ محقق داماد، ج ۱، ص ۱۲۰ و پانویس ۲). در شماری از فروع

تسبیب در منابع فقهی، به استناد برخی احادیث (برای نمونه رجوع کنید به حرّ عاملی، ج ۲۹، ص ۲۴۳)، اضرار موجب ضمان دانسته شده است، البته آنچه به طور اتفاقی، و نه برحسب عادت، موجب ضرر شود، ضمان ندارد ( رجوع کنید به کاسانی، ج ۷، ص ۲۴۳؛ شهیدثانی، الروضة البهیة، ج ۷، ص ۳۴؛ خوئی، ج ۲، ص ۲۴۱، ۲۴۶). در منابع حقوقی نیز وقوع ضرر از عناصر تسبیب شمرده شده است ( رجوع کنید به امامی، ج ۱، ص ۳۹۳-۳۹۴؛ جعفری لنگرودی، ذیل واژه). بر این اساس، ضمان ناشی از تسبیب، بر خلاف ضمان مباشری، تقریباً در تمام موارد مبتنی بر تقصیر مسبّب (یا عدوان وی، به مفهوم عام آن) است (در باره موارد تصریح فقها رجوع کنید به کاسانی، همانجا؛ ابن قدامه، ج ۹، ص ۵۶۴؛ خوئی، ج ۲، ص ۲۴۷-۲۵۸)، زیرا اتلاف هنگامی قابل استناد به مسبّب است که وی به نحوی مرتکب تقصیر شده باشد ( رجوع کنید به خوئی، ج ۲، ص ۲۵۵-۲۵۶)؛ ازینرو، گاه ثبوت ضمان، مشروط به این شده است که کار مسبّب از نظر عرف عادتاً منجر به تلف شود و تلف به طور تصادفی رخ نداده باشد ( رجوع کنید به موسوی بجنوردی، ج ۲، ص ۳۹؛ امام خمینی، ج ۲، ص ۵۶۶). برخی فقها ندرت وقوع تلف در اثر فعل مسبّب را دلیل عدم ثبوت ضمان نمی‌دانند (برای نمونه رجوع کنید به قیاسی، ص ۱۰۸، پانویس ۲). در معدودی از احکام تسبیب، ثبوت ضمان منوط به تقصیر مسبّب نشده است، از جمله ضمان مربی شنای کودک یا جاری کننده آبی که به ملک دیگری نفوذ کند و نیز ضمان راکب چهارپا یا هدایت‌کننده آن به نظر برخی فقها ( رجوع کنید به نجفی، ج ۱۵، ص ۳۲۳؛ اصفهانی، ج ۲، ص ۲۶۷؛ خوئی، ج ۲، ص ۲۵۲)؛ ازینرو، این نظریه در فقه مطرح شده است که صرف استناد عرفی فعل زیانبار به مسبّب، ضمان را ثابت می‌کند و، دست‌کم در برخی موارد، نیازی به اثبات تقصیر مسبّب نیست ( رجوع کنید به عوده، ج ۱، ص ۴۶۳، ج ۲، ص ۵۱-۵۳؛ قیاسی، ص ۱۱۷). به تصریح بسیاری از فقها نیز برای حصول ضمان در اثر تسبیب، وجود قصد اتلاف نفس یا مال شرط نیست ( رجوع کنید به محقق کرکی، ج ۶، ص ۲۰۷؛ نجفی، ج ۱۳، ص ۳۱؛ موسوی بجنوردی، ج ۲، ص ۳۳-۳۴). مبحث مهم دیگر در باره تسبیب، چگونگی ضمان در حالت اجتماع سبب و مباشر و نیز اجتماع دو یا چند سبب (تزامم موجبات) است که اختلاف نظر فراوانی در مصادیق آن وجود دارد. در فرض اجتماع سبب و مباشر، نظر مشهور فقهای امامی این است که اصولاً مباشر ضامن شمرده می‌شود، مگر آنکه سبب از مباشر قویتر و تأثیر آن در تلف بیشتر باشد؛ مثلاً هرگاه شخصی در محلی غیرمجاز چاه حفر کند و دیگری شخص ثالثی را در آن بیفکند، افکننده ضامن است ( رجوع کنید به محقق حلّی، ۱۴۰۸، ج ۳، ص ۱۸۶، ج ۴، ص ۲۴۰؛ علامه حلّی، ۱۴۱۳-۱۴۱۹، ج ۲، ص ۲۲۲-۲۲۳؛ شهیدثانی، الروضة البهیة، ج ۷، ص ۳۰-۳۳؛ امام خمینی، ج ۲، ص ۱۹۳، ۵۶۹). ترجیح مباشر بر مسبّب در مسئولیت، بر پایه این استدلال است که مباشر عامل مستقیم تلف است و از تمام عوامل به علت تلف نزدیکتر است (نجفی، ج ۱۳، ص ۳۲). با اینهمه، صاحب ریاض امکان مسئولیت مسبّب را، به استناد قاعده لاضرر، منتفی ندانسته است (طباطبائی، ج ۸، ص ۳۳۶، ج ۱۰، ص ۴۳۶). در قانون مدنی ایران (مادّه ۳۳۲) و قانون مجازات اسلامی (مادّه ۳۶۳) از نظر مشهور فقهای شیعه پیروی شده است. بیشتر فقهای اهل سنت در تعیین مسئول تلف، عامل مرجوع کنید بهترتر را معیار قرار داده و در فرض تساوی سهم مسبّب و مباشر در حصول تلف، هر دو را ضامن دانسته‌اند. برخی فقیهان اهل سنت، ضمان مسبّب را مشروط به این می‌دانند که سبب به تنهایی بتواند موجب تلف شود ( رجوع کنید به نووی، ج ۹، ص ۱۳۳-۱۳۵؛ زحیلی، ج ۵، ص ۷۴۹، ج ۶، ص ۲۴۵-۲۴۸، ۳۷۴-۳۷۶؛ عوده، ج ۱، ص ۴۵۸). قول به ضمان مشترک مسبّب و مباشر، در برخی فروع فقهی منابع امامی نیز دیده می‌شود (از جمله رجوع کنید به اصفهانی، ج ۲، ص ۲۶۸؛ خوئی، ج ۲، ص ۲۵۸-۲۵۹). در فرض قویتر بودن سبب از مباشر، تمام مذاهب اسلامی مسبّب را ضامن می‌دانند که از جمله مهمترین موارد آن، اکراه \* مباشر از سوی مسبّب است. در عین حال، اکراه در قتل، از دیدگاه بیشتر این مذاهب، مسئولیت را از مکره (مباشر) سلب نمی‌کند ( رجوع کنید به ابن قدامه، ج ۹، ص ۳۳۰-۳۳۱؛ محقق حلّی، ۱۴۰۸، ج ۳، ص ۱۸۶؛ شهید اول، ۱۴۱۲-۱۴۱۴، ج ۳، ص ۱۰۷؛ نجفی، ج ۱۵، ص ۳۰؛ زحیلی، ج ۶، ص ۲۴۱). برخی دیگر از مصادیق ضمان مسبّب به علت ضعف مباشر، این موارد است: جهل مباشر به سبب ( رجوع کنید به محقق حلّی، ۱۴۰۵، ص ۳۲۰؛ شهید اول، ۱۴۰۶، ص ۳۰۱)، اضطراب مباشر ( رجوع کنید به حسینی عاملی، ج ۱۰، ص ۲۸۰-۲۸۱)، مأمور بودن مباشر (در برخی موارد رجوع کنید به زحیلی، ج ۶، ص

۲۴۳-۲۴۲؛ ماده ۳۳۲ قانون مجازات اسلامی)، مسئول نبودن مباشر به سبب خردسالی یا جنون وی ( رجوع کنید به محقق حلی، ۱۴۰۸، ج ۴، ص ۱۸۴؛ محقق کرکی، ج ۶، ص ۲۱۵؛ زحیلی، ج ۶، ص ۲۴۷)، فقدان شعور و اراده در مباشر مانند حیوان ( رجوع کنید بهابن قدامه، ج ۵، ص ۴۵۰؛ محقق حلی، ۱۴۰۸، ج ۴، ص ۱۸۳-۱۸۴؛ محقق کرکی، ج ۶، ص ۲۱۴-۲۱۵؛ موسوی بجنوردی، ج ۲، ص ۳۵) و مباشرت عوامل طبیعی از قبیل سیل و زلزله و آتش و باد و آفتاب ( رجوع کنید به ابن قدامه، ج ۵، ص ۴۵۰-۴۵۱؛ محقق کرکی، ج ۶، ص ۲۱۳؛ موسوی بجنوردی، همانجا). در حالت اجتماع دو سبب برای حصول تلف، در فقه اسلامی آرای مختلفی مطرح شده است، از جمله ضمان سببِ مقدّم در تأثیر، که نظر مشهور فقهای امامی نیز همین است ( رجوع کنید بهابن قدامه، ج ۹، ص ۵۶۵؛ محقق حلی، ۱۴۰۸، ج ۴، ص ۲۴۰-۲۴۱؛ شهیدثانی، الروضة البهیة، ج ۱۰، ص ۱۶۶)، اشتراک در ضمان به طور مساوی ( رجوع کنید بهنجفی، ج ۱۵، ص ۳۴۸؛ اصفهانی، ج ۲، ص ۲۶۷؛ خوئی، ج ۲، ص ۲۶۰)، اشتراک نسبی در ضمان ( رجوع کنید به نجفی، ج ۱۵، ص ۳۴۸-۳۴۹)، ضمان سببِ قویتر ( رجوع کنید به فاضل هندی، ج ۲، ص ۳۰۹؛ مکارم شیرازی، ج ۲، ص ۲۰۸)، ضمان سببِ مقدّم در وجود (موسوی بجنوردی، ج ۲، ص ۴۹-۵۰) و ضمان سببِ مرجوع کنید بهخبر در وجود ( رجوع کنید بهقیاسی، ص ۵۰-۵۱). البته اگر مسببان مشترکاً یا به طور هم‌زمان موجب خسارت شوند، همگی به اندازه مساوی ضامن خواهند بود ( رجوع کنید بهابن قدامه، همانجا؛ نجفی، ج ۱۳، ص ۳۳؛ موسوی بجنوردی، ج ۲، ص ۴۹؛ امام خمینی، ج ۲، ص ۱۹۳، ۵۶۹). همچنین هرگاه کار برخی از مسببان، عدوانی و کار بقیه غیرعدوانی باشد، مسبب متعدّدی ضامن است (محقق حلی، ۱۴۰۸، ج ۴، ص ۲۴۱؛ شهیدثانی، الروضة البهیة، ج ۱۰، ص ۱۶۷؛ زحیلی، ج ۶، ص ۳۷۹). منابع: ابن ادریس حلی، کتاب السرائر الحاوی لتحریر الفتاوی، قم ۱۴۱۰-۱۴۱۱؛ ابن بزّاج، المهدّب، قم ۱۴۰۶؛ ابن قدامه، المغنی، چاپ افست بیروت ۱۴۰۳/۱۹۸۳؛ ابن منظور؛ ابوالحسن اصفهانی، وسیلة النجاة، تهران: صدر، [بی‌تا. ]؛ حسن امامی، حقوق مدنی، تهران ۱۳۶۸-۱۳۷۱ ش؛ ایران. قوانین و احکام، مجموعه قوانین کیفری، تدوین احمد ترابی، تهران ۱۳۷۵ ش؛ محمدجعفر جعفری لنگرودی، مبسوط در ترمینولوژی حقوق، تهران ۱۳۷۸ ش؛ حرّ عاملی؛ محمدجوادبن محمدحسینی عاملی، مفتاح الکرامة فی شرح قواعد العلامه، بیروت: داراحیاء التراث العربی، [بی‌تا. ]؛ عبدالفتاح بن علی حسینی مراغی، العناوین، قم ۱۴۱۷-۱۴۱۸؛ روح‌الله خمینی، رهبر انقلاب و بنیانگذار جمهوری اسلامی ایران، تحریرالوسیلة، قم: دارالعلم، [بی‌تا. ]؛ احمد خوانساری، جامع المدارک فی شرح المختصر النافع، تهران ۱۳۸۳-۱۴۰۲؛ ابوالقاسم خوئی، مبانی تکملة المنهاج، قم ۱۳۹۶؛ وهبه مصطفی زحیلی، الفقه الاسلامی و ادلّته، دمشق ۱۴۰۹/۱۹۸۹؛ محمدبن احمد شمس‌الائمہ سرخسی، کتاب المبسوط، بیروت ۱۴۱۴/۱۹۹۳؛ محمدبن مکی شهیداول، الدروس الشرعیة فی فقه الامامیة، قم ۱۴۱۲-۱۴۱۴؛ همو، اللمعة الدمشقیة فی فقه الامامیة، چاپ محمدتقی مروارید و علی اصغر مروارید، قم ۱۴۰۶؛ زین‌الدین بن علی شهیدثانی، الروضة البهیة فی شرح اللمعة الدمشقیة، چاپ محمد کلانتر، نجف [بی‌تا. ]؛ همو، مسالک الافهام الی تنقیح شرائع الاسلام، قم ۱۴۱۳-۱۴۱۹؛ علی طباطبائی، ریاض المسائل فی بیان الاحکام بالدلائل، بیروت ۱۴۱۲-۱۴۱۴/۱۹۹۲-۱۹۹۳؛ فخرالدین بن علی طریحی، مجمع البحرين، چاپ احمد حسینی، تهران ۱۳۶۲ ش؛ محمدبن حسن طوسی، کتاب الخلاف، قم ۱۴۰۷-۱۴۱۷؛ همو، المبسوط فی فقه الامامیة، ج ۷، چاپ محمدباقر بهبودی، تهران [بی‌تا. ]؛ حسن بن یوسف علامه حلی، ارشاد الاذهان الی احکام الایمان، چاپ فارس حسن، قم ۱۴۱۰؛ همو، قواعد الاحکام، قم ۱۴۱۳-۱۴۱۹؛ عبدالقادر عوده، التشریع الجنائی الاسلامی مقارناً بالقانون الوضعی، بیروت ۱۴۰۵/۱۹۸۵؛ محمدبن حسن فاضل هندی، کشف اللثام فی شرح قواعد الاحکام، چاپ سنگی تهران ۱۲۷۱-۱۲۷۴، چاپ افست ۱۳۹۱؛ علیرضا فیض، تطبیق در حقوق جزای عمومی اسلام، تهران ۱۳۶۹ ش؛ احمدبن محمد فیومی، المصباح المنیر فی غریب الشرح الکبیر للرافعی، بیروت: دارالفکر، [بی‌تا. ]؛ جلال‌الدین قیاسی، تسبیب در قوانین کیفری، قم ۱۳۷۵ ش؛ ناصر کاتوزیان، حقوق مدنی: ضمان قهری - مسوولیت مدنی، تهران ۱۳۶۹ ش؛ ابوبکر بن مسعود کاسانی، کتاب بدائع الصنائع فی ترتیب الشرائع، ج ۷، بیروت ۱۴۱۷/۱۹۹۶؛ جعفر بن حسن محقق حلی، شرایع الاسلام فی مسائل الحلال و الحرام، چاپ عبدالحسین محمدعلی بقال، قم ۱۴۰۸؛ همو، المختصر النافع، بیروت ۱۴۰۵/۱۹۸۵؛ مصطفی محقق داماد، قواعد فقه، ج ۱: بخش مدنی، تهران ۱۳۸۰ ش؛

على بن حسين محقق كركى، جامع المقاصد فى شرح القواعد ، قم ١٤١٤\_١٤١٥؛ محمد بن محمد مفيد، المقنعة ، قم ١٤١٧؛ ناصر مكارم شيرازى، القواعد الفقهية ، قم ١٤١٦؛ الموسوعة الفقهية ، ج ٢٤، كويت: وزارة الاوقاف و الشئون الاسلامية، ١٩٩٠/١٤١٠؛ حسن موسى بجنوردى، القواعد الفقهية ، قم ١٣٧٧ ش؛ محمد حسن بن باقر نجفى، جواهر الكلام فى شرح شرائع الاسلام ، بيروت ١٤١٢ /١٩٩٢؛ يحيى بن شرف نووى، روضة الطالبين و عمدة المفتين ، بيروت ١٩٩١/١٤١٢.

نظر شما

ايـمـيل:

آدرس ايميل...

متن

نظر شما ...

ارسال

صفحه اصلى (/) درباره ما دانشنامه جهان اسلام انتشارات (/bookCategory) اطلاع رسانی (/about/EttelaResani)

مدخل (/Madkhal/paging) مقالات (/article/paging) کتابخانه (http://191.168.100.2/site/biblio)

تمام حقوق مادی و معنوی این سایت متعلق به بنیاد دایرة المعارف اسلامی می باشد.